

سوالات مربوط به ماه محرم

میر حسن میر حسینی

فهرست:

فلسفه عزاداری

اثرات روانی - اجتماعی مراسم مذهبی

فلسفه عزاداری بر امامان چیست؟

فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

فلسفه گریه

گریه حضرت آدم بر امام حسین علیه السلام

قمه زنی

آیا از همراهان امام حسین علیه السلام کسی زنده ماند؟

سرهای شهدای کربلا را در کجا دفن کردند؟

آیا کسی از سپاه امام حسین علیه السلام به لشکر یزید پیوست؟

آیا امام حسین علیه السلام آغازگر جنگ بود؟

شهدای اهل بیت امام حسین علیه السلام در صحنه جنگ کربلا چند نفر بودند؟

آیا امام باقر علیه السلام، روز عاشورا در کربلا حضور داشت؟

دفن اجساد شهدا در کربلا توسط چه کسانی انجام گرفت؟

عاقبت شمر بن ذی الجوشن چه شد؟

عاقبت ابن زیاد چه شد؟

عاقبت عمر سعد چه شد؟

چرا سوگواری کنیم؟

فلسفه عزاداری

اثرات روانی - اجتماعی مراسم مذهبی

مانند دعای کمیل، توسل و عزاداری و فلسفه برگزاری آنها چیست؟

مراسم و جلسات دینی هر يك فلسفه، آثار و نتایج ویژه ای دارند که هر يك جداگانه قابل بررسی هستند :

الف) دعاها :

دعا خود از عبادات بسیار با اهمیت است - در روایت آمده: «الدعاء مخ العبادة

(1) «و دارای آثار ارزشمندی است از جمله :

- 1 وسیله برقراری رابطه معنوی با خدا و انس و الفت دل باحق تعالی .
- 2 توسعه بینش و معرفت نسبت به عظمت مقام ربوبی .
- 3 آرامش و سکون نفس و دل .
- 4 پشیمانی از نافرمانی ها و آلودگی ها که حقیقت توبه است .
- 5 تلقین اعتقادات حق به دل و نفس مانند نبوت، امامت و رهبری معصومین .
- 6 تشخیص و تمیز دادن رذایل از فضایل .
- 7 زنده سازی و احیای دل و تقویت خوف و رجا که مهمترین محرك به سوی خوبیها و بازدارنده از کژی هاست .
- 8 ایجاد آرمان های بلند چون شهادت طلبی و عشق به جهاد در راه خدا .
- 9 سازنده روح مهر و عطوفت نسبت به هموعان .
- 10 ایجاد کننده روح تعهد اجتماعی و ...

ب) مراسم عزاداری: (۲)

بوژه برای حضرت سید الشهداء علیه السلام که از افضل قربات است و در طول تاریخ دارای اثر مفید و ارزشمندی بوده از جمله :

1- احیا و زنده داشتن نهضت عاشورا موجب زنده نگه داشتن و ترویج دائمی مکتب قیام و انقلاب در برابر طاغوتهاست و تربیت کننده و پرورش دهنده روح حماسه و ایثار است .

2- عزاداری نوعی پیوند محکم عاطفی با مظلوم انقلابگر و اعتراض به ستمگر است و به تعبیر استاد مطهری: «گریه بر شهید شرکت در حماسه اوست» .

3- عزاداری برای اهل بیت موجب احیای یاد، نام و فرهنگ و مکتب و هدف آنان است. به عبارت دیگر در شکل يك پیوند روحی، راه آنان به جامعه الهام گشته و پیوستگی پایداری بین پیروان مکتب و رهبران آن برقرار می سازد و دیگر گذشت قرون و اعصار نمی تواند بین آنها جدایی افکند .
همین مساله موجب نفوذ ناپذیری امت از تاثیرات و انحرافات دشمنان می گردد و مکتب را همچنان سالم نگه می دارد و تحریفات و اعوجاجات را به حداقل می رساند. از همین رو است که استعمارگران برای نابودی ملل اسلامی می کوشند تا رابطه آنان را با تاریخ پر افتخار صدر اسلام قطع نمایند تا با ایجاد این خلاء زمینه القای فرهنگ خود را فراهم آورند. اینها از آثار اجتماعی عزاداری است و آثار روانی و تربیتی دیگری نیز دارد .

1- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۰۰، دعوات راوندی: ۱۸، ارشاد القلوب: ۹۰ و

۱۴۸، اعلام الدین: ۲۷۸، عدة الداعی: ۲۹ و ۴۰ و ۲۰۳ .

2- برای آگاهی بیشتر ر . ك : حماسه حسینی شهید مطهری .

فلسفه عزاداری بر امامان چیست؟

عاشق اگر عاشق باشد، خود می گرید پس چرا با برانگیختن احساساتش اشکش را در بیاوریم و آیا این اشك ها نقش تربیتی دارد؟

مساله گریه و عزاداری بر حضرت سید الشهداء علیه السلام از افضل قربات است و فلسفه های سازنده و تربیتی متعددی دارد از جمله :

- 1 زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی .
- 2 الهام روح انقلاب، آزادگی، شهادت طلبی، ایثار و حقیقت جویی .
- 3 پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین .
- 4 اقامه مجالس دینی در سطح وسیع و آشنا شدن توده ها با معارف دینی .
- 5 پالایش روح و تزکیه نفس .
- 6 اعلام وفاداری نسبت به مظلوم و مخالفت با ظالم و ... اما اینکه اشک و گریه خود به خود به وجود می آید یا باید با تلقین و برانگیختن احساسات ایجاد شود، مقوله دیگری است .

مسلمان هر مسلمان پاک طینتی با یادآوردن مصائب ابا عبدالله و عظمتی که آن حضرت به وجود آورد، اشک سوز و گاه اشک شوق می ریزد، ولی مجالس روضه خوانی نقش تذکار و یادآوری دارند نه تلقین و این با خواندن روضه های صحیح و واقعی به دست می آید، نه پیرایه ها و خرافات. در ضمن خلاقیت هنری مانند بیان کردن حقایق با اشعار زیبا یا صدای خوب نیز مساله مهمی است و نقش بسیار ارزنده ای در جذب توده ها و سیراب کردن عواطف دارد . اصولاً یکی از روش های بلند دین بویژه اسلام آن است که همه چیزش با هنر آمیخته شده و همراه با زیباترین آفرینش های هنری توانسته است حقایق بلند را شیرین جان مردم سازد و در اعماق وجود آنان جایگزین کند .

فلسفه قیام امام حسین علیه السلام

چرا مردم با اظهار این همه ارادت و دوستی نسبت به خاندان اهل بیت : از فلسفه قیام امام حسین علیه السلام اطلاع کافی ندارند؟

همان طور که گفته شد، هدف از عزاداری ها و مراسم محرم، احیای فلسفه عاشورا و استمرار بخشیدن به قیام خونین امام حسین علیه السلام است و باید این مساله، محور سخنان گویندگان مذهبی باشد. البته گویندگان مذهبی همه یکسان و هم سطح نیستند؛ ولی همواره بسیاری از علما و دانشمندان دینی در پی احیای ابعاد مختلف اسلام از جمله قیام امام حسین علیه السلام و زدودن غبار خرافات از چهره دین و رویدادهای تاریخی اسلام بوده و هستند، لکن در برخی از مجامع نیز ممکن است به علی آنان دور از دسترس مردم بوده، از این رو زمینه برای میداننداری عناصر دیگر فراهم گردد .

فلسفه گریه

گریه چیست و چرا انسان گریه می کند؟
گریه تجسم عینی تاثیرات درونی و عاطفی است و دارای اقسام گوناگونی می باشد که هر يك آثار و نتایج ویژه ای دارند. از نظر روان شناسی گریه دارای اهمیت بسیاری است و فشار ناشی از عقده های انباشته در درون انسان را می کاهش دهد و درمان بسیاری از آلام و رنج های درونی انسان می باشد. در حقیقت اشك چشم سوپاپ اطمینانی برای روح و جسم آدمی است که در شرایط بحرانی (اندوه و یا شادمانی فراوان) موجب تعادل او می گردد. از نظر عرفا نیز، گریه زیباترین و پرشکوه ترین جلوه تذلل بنده و اظهار عجز و تسلیم و عبودیت در پیشگاه معبود قادر متعال است .

گریه حضرت آدم بر امام حسین علیه السلام

آیا گریه کردن حضرت آدم بر امام حسین علیه السلام بیانگر جبر در زندگی انسانی است؟

این گونه حوادث یا علم پیشین الهی به افعال بندگان و پیشگویی آنها مستلزم جبر نیست. زیرا علم خدا در این موارد به چیزی **Determinism** تعلق گرفته که با اراده آزاد بندگان تحقق خواهد یافت. به عبارت دیگر تفکر جبرانگار بین علم پیشین الهی و فعل بندگان رابطه علت و معلولی می بیند. یعنی علم خدا را علت فرض می کند. زیرا می بیند اگر آنچه خدا می داند انجام نشود نافی علم مطلق الهی می شود. چنانکه شاعر گوید:

• می خوردن من حق ز ازل می دانست
گر می نخورم علم خدا جهل بود

و این بیان همان رابطه ترتبی و علی است. در حالی که واقع قضیه خلاف این است. یعنی چون بندگان افعالی را با اراده خود انجام می دهند خداوند می داند و از جمله آنها عمل شمر، یزید و... با امام حسین علیه السلام است. بلی شمر، یزید و... آزادانه می توانستند امام حسین علیه السلام را به قتل نرسانند و اگر از اراده و اختیار خود چنین استفاده ای می نمودند، خدا هم می دانست که نمی کنند و اجبار هم نمی کرد و گریه آدم هم در کار نمی بود. سر این قضیه از نظر فلسفی آن است که خداوند فوق زمان و مکان است و برای او قبل و بعدی نیست، از این رو علم او به اعمال در همه زمان ها شبیه علم ما به يك حادثه در زمان حال است و همچنان که چنین علمی موجب جبری بودن اعمال مورد مشاهده ما نیست، حضور عمل نزد خداوند نیز چنین است .

قمة زنی

فلسفه قمة زنی چیست و از چه زمانی شروع شده است ؟
قمة زنی فلسفه صحیح اسلامی ندارد و شروع آن قرن ها پس از حادثه عاشورا بوده است . و هیچ دلیل و مستند قابل قبولی برای آن وجود ندارد .

افرادی قمه بر سر می زنند و برای مشروع جلوه دادن آن استناد به کار حضرت زینب می کنند که سر خود را به محل زدن آیا این مطلب صحت دارد؟ و این توجیه درست است؟

در رابطه با قمه زنی نه تنها هیچ دستوری از ناحیه شرع بر آن نرسیده است بلکه در صورت مضر بودن برای نفس و بدتر از آن چهره نامعقولی از دین نشان دادن، قطعاً حرام و نامشروع است .

در رابطه با روایتی که به حضرت زینب نسبت می دهند باید گفت :

اولاً: اینکه حضرت زینب سر را به چوبه محل زده باشد، در کتب معتبر تاریخی نیامده و ساخته و پرداخته برخی افراد فاقد معلومات است، خصوصاً که محدث محقق مرحوم حاج شیخ عباس قمی این مسأله را صحیح نمی داند .
ثانیاً: چنانچه فرض کنیم که حضرت زینب به چنین عملی مبادرت کرده باشند، عمل حضرت زینب سلام الله علیها در چنین موردی حجت شرعی نیست، چرا که تنها سیره و عمل پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام می تواند ملاک عمل باشد .

ثالثاً: اگر آن خیر صحت داشته باشد (که ندارد) ممکن است آن حضرت بدون اختیار و در اثر فشار و اندوه به چنین عملی مبادرت کرده باشد. در این صورت نیز این عمل قابل احتجاج نیست و نمی تواند ملاک عمل دیگران باشد

آیا از همراهان امام حسین علیه السلام کسی زنده ماند؟

آنچه از بررسی کتب تاریخ به دست آمده این است که: هشت نفر از همراهان و یاران امام حسین علیه السلام زنده ماندند :

1- عقبه بن سلمان

وی غلام رباب، دختر امری ء القیس، همسر امام حسین علیه السلام بود که او را به اسارت گرفتند و نزد عمر سعد بردند و چون از او پرسید: «تو کیستی؟» پاسخ داد: برده ای هستم. عمر سعد او را آزاد کرد .

- 2 مرقع بن قمامه

او را نیز به اسارت گرفتند و قبیله وی از عمر سعد برای او امان گرفتند و نزد عبیدالله زیاد بردند و عمر سعد ماجرای او را باز گفت و پسر زیاد او را به بحرین تبعید کرد و در آنجا سکونت گزید .

- 3 مسلم بن ریح

وی نیز از همراهان امام حسین علیه السلام بود و پرستاری آن حضرت را می کرد. پس از شهادت آن حضرت زنده ماند و از کربلا گریخت . مسلم بن ریح از جمله کسانی است که قسمتهایی از ماجرای کربلا را نقل کرده است .

- 4 حسن بن حسن

حسن بن حسن که مشهور به حسن مثنی است در روز عاشورا زخمی و مجروح گردید و با وساطت اسماء بن خارجه فزاری که در لشکر عمر سعد بود و با او خویشاوندی داشت، از کشتن او صرف نظر کردند، و او را به کوفه آوردند و معالجه کردند و پس از بهبودی به مدینه بازگشت .

- 5 عمر بن حسن

- 6 قاسم بن عبدالله

- 7 محمد بن عقیل .

- 8 زید بن حسن .

اینان نیز به گفته برخی از اهل تاریخ در کربلا بودند، ولی زنده مانده و به شهادت نرسیدند. (۳)

سرهای شهدای کربلا را در کجا دفن کردند ؟

روز یازدهم محرم سال ۶۱ هجری تمام سرهای شهدا که قریب به هفتاد سر بود را از بدن ها جدا نمودند. و به توسط شمر و عمرو بن حجاج و خولی و حمید بن مسلم و دیگران به کوفه فرستادند .

ابن زیاد نیز سرهای شهدا را با حضرت زین العابدین و سایر اسرا توسط شمر و افراد دیگر به طرف شام برای یزید بن معاویه فرستاد .

در مورد محل دفن سر مطهر سیدالشهدا پنج قول است :

1 - سر مقدس حضرت ابی عبدالله را یزید برای عمرو بن سعد به مدینه فرستاد و در بقیع نزد مادرش حضرت فاطمه دفن نمود .

2 - آن سر مقدس را سه روز در دمشق مصلوب نمودند، بعد در خزینه بنی امیه گذاردند تا زمان خلافت سلیمان بن عبدالملک بن مروان، سپس وی آن سر مطهر را در باب قرادیس شام دفن نمود .

3 - سر مطهر سیدالشهدا را در بالای سر پدرش امیرالمؤمنین در نجف اشرف دفن کردند . لذا زیارت آن سر مبارك در بالای سر حضرت علی مستحب است .

5 - حضرت امام سجاد علیه السلام آن سر مطهر را از شام به کربلا آورد و به بدن شریف آن حضرت ملحق ساخت. که این قول مشهور بین علمای شیعه

است . (۴)

در مورد سر مطهر سایر شهدای کربلا نیز، می گویند امام سجاد علیه السلام
جمع سرهای آنها را از یزید گرفت و در کربلا به بدنهای آنها ملحق کرد .
قول دیگر این است که سرهای دیگر شهدا را در قبرستان شام دفن نمودند. که
فعلا نیز در قبرستان شام قبه عالییه ای است که منسوب به رؤوس شهدای کربلا
است و دوستان اهل بیت عصمت و طهارت در آنجا به زیارت این سرهای
مطهر می روند. (۵)

3- رجوع شود به کتاب زندگانی امام حسین ۱۷۷ سید هاشم رسولی محلاتی،
ص ۵۴۸ .

4- به غیر از دو نفر که یکی فرزند شیرخوار امام حسین ۱۷۷ جناب علی
اصغر، و دیگر سر جناب حربن یزید ریاحی که قبیله اش جسد او را از میان
شهدا بیرون بردند. منتخب التواریخ، ص ۲۷۴

5- منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۴۰، منتخب التواریخ، ص ۲۳۹ - ۲۳۸ .

آیا کسی از سپاه امام حسین علیه السلام به لشکر یزید پیوست؟

در هیچ يك از منابع تاریخی معتبر ذکر نشده است که اصحاب و یاران امام
حسین علیه السلام در شب عاشورا از وی جدا شده و به لشکر یزید ملحق شده
باشند. بلکه همه یاران و اصحاب، پیشنهاد آن حضرت را درباره رفتن نپذیرفتند
و همگی آمادگی خود را برای جانبازی و شهادت در راه فرزند پیغمبر اعلام
کردند .

آری، آنچه مسلم است این است که پس از رسیدن خبر شهادت مسلم بن عقیل،
امام حسین علیه السلام در منزل «زباله» به همراهانش فرمود :

«بسم الله الرحمن الرحيم: اما بعد، فانه قد اتانا خبر فظيع، قتل مسلم بن عقیل و
هانی بن عروة و عبدالله بن یقطر و قد خذلتنا شیعتنا فمن احب منكم الانصراف

فلینصرف، لیس علیه منا ذمام « خبر بس تاثر انگیزی به ما رسیده است و آن، کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه (۶) و عبدالله بن یقطر است. شیعیان ما دست از یاری ما برداشتند و اینک هر يك از شما که بخواهد برگردد آزاد است و از سوی ما حقی بر گردنش نیست. »

در این میان اعرابی که در بین راه به آن حضرت ملحق شده بودند، برگشتند. تنها تعدادی از یاران خاصش که از مدینه به همراه او آمده بودند باقی ماندند. شهید مطهری می فرماید :

«کسی از اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام با توجه به گرفتاری که داشتند به لشکر دشمن ملحق نشدند» (۷).)

آیا امام حسین علیه السلام آغازگر جنگ بود ؟

لشکر عمر سعد در روز عاشورا گرداگرد لشکر و خیمه های امام حسین علیه السلام به گشت زنی مشغول شدند. از هر طرف که می رفتند خندقی پر از شعله های آتش در اطراف خیمه ها می دیدند. در این هنگام شمر علیه اللعنه با صدای بلند فریاد زد :

ای حسین! پیش از آنکه قیامت فرا رسد در رفتن به آتش دوزخ شتاب کردی ! حضرت فرمود: گویا گوینده این سخن شمر است. گفتند: بلی یا بن رسول الله !

فرمود: ای پسر زن بز چران تو به آتش دوزخ سزاورتری .

مسلم بن عوسجه که در کنار امام حسین علیه السلام قرار گرفته بود گفت یا بن رسول الله ! شمر در تیر راس من است اجازه بده تا او را به جهنم واصل کنم .

امام علیه السلام پاسخ داد: انی اکره ان ابداهم بالقتال من خوش ندارم که آغازگر جنگ باشم

بعد سخنرانی های امام علیه السلام در روز عاشورا زمینه و مقدمات جنگ فراهم شد .

حر بن یزید ریاحی با شنیدن استغاثه امام حسین علیه السلام از خواب غفلت بیدار شد و به لشکر حق پیوست. در این هنگام عمر سعد تیری به کمان گذاشت و به سوی سپاه ابا عبد الله علیه السلام رها کرد و گفت :

نزد امیر ابن زیاد شاهد باشید که من پیش از همه جنگ را شروع کردم .
در نتیجه عمر سعد رسماً با انداختن تیری به سوی سپاه ابا عبد الله علیه السلام جنگ را آغاز کرد و این خود نشان دهنده این است که امام علیه السلام جنگ را آغاز نکرد بلکه از شروع به جنگ کراهت نشان می داد

- 6منهاج الدموع، ص ۴۰۳

- 7تاریخ طبری، ج ۷، ص ۲۹۴، ارشاد مفید، ص ۲۲۳ .

شهدای اهل بیت امام حسین علیه السلام در صحنه جنگ کربلا چند نفر بودند؟

آنچه تاریخ ثبت کرده است این است که تعداد هفده نفر از اهل بیت امام حسین علیه السلام به غیر از خود امام حسین علیه السلام در صحنه جنگ حضور داشتند و به شهادت رسیدند :

1- دو نفر از فرزندان امام حسین علیه السلام به نامهای علی اکبر و علی اصغر سلام الله علیهما که در زیارات به علی و عبدالله مذکور است .

2- قاسم بن حسن، عبدالله بن حسن و ابوبکر بن حسن سلام الله علیهم که هر سه نفر از فرزندان برادرش امام حسن مجتبی بودند .

3- حضرت ابوالفضل العباس ، عبدالله، جعفر، عثمان و محمد بن علی سلام الله علیهم از برادران امام حسین علیه السلام .

4- دو نفر از فرزندان حضرت زینب به نامهای عون و محمد سلام الله علیهما

5- پنج نفر از اولاد عقیل به نامهای عبدالله بن مسلم بن عقیل، محمد بن مسلم بن عقیل، جعفر بن عقیل، عبدالرحمن بن عقیل و محمد بن ابی سعید بن عقیل.

۸)

آیا امام باقر علیه السلام ، روز عاشورا در کربلا حضور داشت؟

آنچه از بررسی تاریخ عاشورا به دست می آید این است که امام باقر علیه السلام به اتفاق پدرش حضرت امام سجاد علیه السلام در کربلا حضور داشت و سن مبارکش در آن وقت چهار سال بود، چون آن حضرت در سال پنجاه و هفت در مدینه منوره متولد شد و واقعه کربلا در سال ۶۱ هجری اتفاق افتاد .

محدث قمی می گوید :

«امام باقر علیه السلام در واقعه کربلا حضور داشت و در آن وقت چهار سال

از سن مبارکش گذشته بود.» (۹)

در منتخب التواریخ آمده است :

«روز عاشورا امام زین العابدین علیه السلام بیست و دو ساله بوده و امام محمد

باقر علیه السلام چهار ساله بوده و هر دو در کربلا بودند و حق تعالی ایشان را

محفوظ داشت.» (۱۰)

دفن اجساد شهدا در کربلا توسط چه کسانی انجام گرفت؟

هنگامی که عمر سعد از کربلا خارج شد، جمعی از طایفه بنی اسد که در غاضریه سکونت داشتند به قتلگاه شهدا وارد شدند و پس از اقامه نماز بر اجساد شهدا، آنان را دفن نمودند. به این طریق که امام حسین علیه السلام را در همین موضعی که اکنون معروف است دفن کردند و فرزندش علی اکبر را در پایین

پای پدر به خاک سپردند و بقیه شهدا (مگر چند نفر معینی) را در زیر قدم آن حضرت دفن نمودند و حضرت عباس را در راه غاضریه در مکانی که به شهادت رسیده بود به خاک سپردند .

اما طبق احادیث صحیحه، امام را جز امام نمی تواند غسل و کفن و دفن نماید، لذا روایت داریم که گرچه به حسب ظاهر طایفه بنی اسد حضرت سیدالشهدا را دفن کردند اما در واقع امام زین العابدین علیه السلام آمد و آن حضرت را دفن کرد. چنانچه حضرت رضا علیه السلام به این مطلب تصریح فرموده است.

(۱۱)

- 8 حماسه حسینی، ج ۳، ص ۷۴

- 9 منتهی الامال، ج ۱ ص ۴۰۰ .

- 10 منتهی الامال، ج ۲، ص ۸۶ .

- 11 منتخب التواریخ، ص ۲۹۷ .

عاقبت شمر بن ذی الجوشن چه شد؟

شمر بن ذی الجوشن، جانی شماره يك حادثه کربلا، پس از جنگ شورشیان کوفه با مختار، که فرماندهی چند گروه را به عهده داشت از کوفه متواری شد و فرار را برقرار ترجیح داد .

اما مختار در تعقیب این عنصر خبیث بود. لذا ابو عمره که از افراد بسیار ارزنده و از یاران صمیمی مختار بود و کینه قاتلان حسین بن علی را در دل داشت، از طرف مختار مامور کشتن شمر شد. ابو عمره با گروهی به تعقیب شمر رفت و او را در یکی از روستاهای بصره پیدا نمود. ابو عمره طی يك درگیری مسلحانه، شمر را زخمی کرد و سپس به اسارت خود در آورد. او را به نزد مختار آورد، مختار دستور داد او را گردن زدند و جسد او را در دیگ

روغن جوشیده قرار دادند و یکی از اطرافیان مختار، سر شمر را با پای خود لگد کوب کرد. (۱۲)

شمر بن ذی الجوشن، از سران و شجاعان مردم کوفه بود که در زمان حضرت علی از شیعیان و طرفداران حضرتش به شمار می آمد و در جنگ صفین در رکاب علی با سپاه معاویه جنگید و شجاعت خوبی از خود نشان داد. اما شمر همانند بسیاری از مردم کوفه، در راه خود استوار نماند و به خاطر روح نفاق که در او وجود داشت، جزء دشمنان خاندان رسالت در آمد و به حکومت اموی پیوست.

عاقبت ابن زیاد چه شد؟

ابن زیاد جانی شماره دو حادثه کربلا که در شام به سر می برد، از طرف عبدالملک مروان که تازه قدرت شام را به دست گرفته بود برای مسلط شدن بر عراق، مامور سرکوبی قیام مختار شد. مختار نیروهایش را آماده کرد و فرماندهی کل آنان را به ابراهیم بن مالک اشتر داد.

این دو لشکر با هم درگیر شدند و ابراهیم اشتر با شجاعتی که داشت، لشکر ابن زیاد را متواری ساخت و تعدادی از فرماندهان و سربازان او را به درک واصل کرد.

تا سرانجام به سر وقت ابن زیاد، - این عنصر کثیف بنی امیه - رفت و با ضربت شمشیر خود، او را دو نیم ساخت و سر بریده اش را برای مختار به هدیه آورد و جسد آن خبیث را با آتش سوزاندند. ابن زیاد در آن روز ۳۹ سال داشت. روز جنگ لشکریان مختار با ابن زیاد، روز عاشورای سال ۶۷ هجری و روز کشته شدن ابن زیاد به دست توانای ابراهیم اشتر درست روز عاشورا بود. این يك اتفاق تصادفی نیست، بلکه خداوند خواسته بود که درست در همان روز که امام حسین علیه السلام به دست نیروهای ابن زیاد، مظلومانه به شهادت

رسید، در همان روز انتقام خون آن مظلوم را از قاتل او بگیرد. «و انها لعبرة لاولی الابصار» تا عبرتی باشد برای صاحبان خرد .

عاقبت عمر سعد چه شد؟

مختار در آن روزهایی که دست به انتقام خون شهدای کربلا زد، نسبت به «عمر سعد» بیش از همه حساس بود، از طرفی، قبلا به خاطر مصالحی امان نامه ای به «عمر سعد» داده بود و از طرف دیگر عمرسعد هم بهانه ای به دست مختار نداده و در شورش علیه مختار، شرکت نکرده بوداز این جهت قدری دستگیری و مجازات وی به تاخیر افتاد .

هنگامی که عمر سعد متوجه شد که مختار در صدد دستگیری و مجازات او است، شبانه از کوفه پا به فرار گذاشت. در بیرون شهر کوفه با شخصی روبرو شد و قضیه فرار را برای او نقل کرد. آن مرد تمیمی عمر سعد را از فرار منصرف کرد و عمر سعد به منزل خود برگشت .

مختار باخبر شد که عمر سعد به قصد فرار به خارج شهر رفته و برگشته است. مختار خوشحال شد و این حادثه را بهانه گرفت. لذا کسی را به دنبال «حفص» فرزند عمر سعد فرستاد .

او فوراً به نزد مختار آمد. مختار از پدرش عمر سعد سؤال کرد، حفص گفت: پدرم در خانه است .

مختار «ابوعمره» را مامور جلب عمر سعد کرد. ابوعمره فوراً حرکت کرد و «عمر سعد» را برای مختار جلب کرد. عمر سعد که ترسیده بود گفت جبه ام را بیاورید. (۱۳)

ابوعمره از منظورش آگاه شد و مهلتی به او نداد، و شمشیر برنده خود را بر فرق عمر سعد فرود آورد و او را به درك واصل کرد. بعد سرش را از بدنش جدا کرد و برای مختار آورد .

مختار رو کرد به «حفص» فرزند آن جنایتکار و گفت: این سر کیست؟ گفت:
این سر پدرم است .
مختار در همانجا دستور داد که سر « حفص » فرزند عمر سعد را نیز جدا کنند
و او را به پدرش ملحق نمایند .
بدین صورت عمر سعد و فرزندش به سزای اعمال خود رسیدند .

-
- 12 منتهی الامال، ج ۱، ص ۴۰۶، ۴۰۵. - بحار الانوار، ج ۴۵، ص 338.
- 13 منظور عمر سعد از جبه شمشیر بود .

چرا سوگواری کنیم؟

می گویند اگر امام حسین علیه السلام پیروز شد چرا جشن نمی گیریم چرا گریه
می کنیم؟ آیا این همه گریه در برابر آن پیروزی بزرگ شایسته است؟
آنهایی که چنین سؤالی می کنند، فلسفه عزاداری را نمی دانند و آن را با گریه
های ذلیلانه اشتباه می کنند .
اصولا گریه و جریان قطره های اشک از چشم که دریچه قلب آدمی است چهار
گونه است :

1- گریه های شوق:

گریه مادری که از دیدن فرزند دلبنده گمشده خویش پس از چندین سال، سر داده
می شود، یا گریه شادی آفرین و رضایت بار عاشق پاکبازی که پس از يك عمر
محرومیت معشوق خود را می یابد، گریه شوق است .
قسمت زیادی از حماسه های کربلا شوق آفرین و شورانگیز است و به دنبال آن
سیلاب اشک شوق به خاطر آن همه رشادتها، فداکاریها، شجاعتها، آزاد مردیها،

و سخنرانیهای آتشین مردان و زنان به ظاهر اسیر، از دیدگان شنونده سرازیر می‌گردد، آیا این گریه دلیل بر شکست است؟

2- گریه های عاطفی :

آنچه در درون سینه انسان جای دارد، قلب است نه سنگ! و این قلب که ترسیم کننده امواج عواطف انسانی است به هنگام مشاهده منظره کودک یتیمی که در آغوش مادر در يك شب سرد زمستانی از فراق پدر جان می‌دهد به لرزه در می‌آید و با سرازیر کردن سیلاب اشك، خطوط این امواج را در صفحه صورت ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد قلبی زنده و سرشار از عواطف مردمی است .

آیا اگر با شنیدن حادثه جان سپردن يك طفل شیرخوار در آغوش پدر، و دست و پا زدن در میان سیلاب خون در حادثه کربلا، قلبی بتپد، و شراره های آتشین خود را به صورت قطره های اشك به خارج پرتاب کند، نشانه ضعف و ناتوانی است یا دلیل است بر بیداری آن قلب پر احساس؟

3- گریه پیوند هدف :

گاهی قطره های اشك پیام آور هدفهاست، آنها که می‌خواهند بگویند با مرام امام حسین علیه السلام همراه و با هدف او هماهنگ و پیرو مکتب او هستیم، ممکن است این کار را با دادن شعارهای آتشین، با سرودن اشعار و حماسه ها ابراز دارند، اما گاهی ممکن است آنها ساختگی باشد، ولی آن کس که احیانا با شنیدن این حادثه جانسوز قطره اشکی از درون دل، بیرون می‌فرستد، صادقانه تر، این حقیقت را بیان می‌کند، این قطره اشك، اعلان وفاداری به اهداف مقدس یاران امام حسین علیه السلام و پیوند دل و جان با آنها است، اعلان جنگ با بت پرستی و ظلم و ستم، اعلان بیزاری از آلودگیهاست، و آیا این نوع گریه - بدون آشنائی با اهداف پاك او - ممکن است؟

4-گريه ذلت و شكست :

گريه افراد ضعيف و ناتواني است كه از رسيدن به اهداف خود و امانده اند و روح و شهامتي براي پيشرفت در خود نمي بينند، مي نشينند و عاجزانه گريه سر مي دهند، هرگز براي امام حسين عليه السلام چنين گريه اي مكن كه او از اين گريه بيزار و متنفر است، اگر گريه مي كني گريه شوق، عاطفه، و پيوند هدف باشد. ولي مهمتر از سوگواري، آشنايي به مكتب امام حسين عليه السلام و ياران او و پيوستگي عملي به اهداف آن بزرگوار است، كه پاك بودن و پاك زيستن و درست انديشيدن و عمل كردن مي باشد .

والسلام./.